

## آیا بر اساس روایت «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ» خداوند

### تابع حضرت زهرا سلام الله علیها می باشد؟

#### مقدمه:

همواره در طول تاریخ، دشمنان اهل بیت علیهم السلام در پنهان نمودن و انکار فضائل ایشان تلاش بسیار داشته اند تا به خیال خود بتوانند نور اهل بیت علیهم السلام را خاموش کنند اما غافل از اینکه خداوند بر این انگاره مهر بطلان کوبیده؛ می فرماید:

«يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛

#### سوره صف: ۸

می خواهند نور خدا را با دهان های خود خاموش کنند؛ ولی خداوند نمی گذارد تا اینکه که نور خود را کامل کند و هر چند کافران خوش ندارند.

«عدنان عرعور» نیز یکی از این دشمنان اهل بیت علیهم السلام است. وی برای انکار فضائل آن بزرگواران، به هر مغالطه ای دست می زند. در این نوشتار، در صدد بیان پندار عرعور پیرامون حدیث نبوی «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ» که بیانگر منزلت والای حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها است، می باشیم. حدیثی که منابع اهل تسنن به نقل آن اهتمام داشته و با سند معتبر آن را در کتب خود ذکر کرده اند.

#### بیان شبهه

«عدنان عرعور» کارشناس شبکه صفا، با رد دلالت حدیث شریف «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ» می گوید:

خداوند بالاتر از آن است که پیرو یک انسان باشد.

وی ادعا میکند که غضب حضرت زهرا سلام الله علیها، غضب الهی را به دنبال ندارد و دلیل این ادعا را عظمت جایگاه خداوند و غیر ممکن بودن پیروی خداوند از بنده بیان می کند. بیان عرعور در حقیقت، دفاع از عملکرد ابوبکر به دنبال جریان فدک و

غضبناک شدن حضرت زهرا سلام الله علیها بر ابوبکر است. وی می خواهد چنین نتیجه بگیرد که اگر هم حضرت زهرا سلام الله علیها غضبناک شده باشد، باز هم مستلزم غضب الهی بر او نیست. سخن او را می توان اینگونه تبیین کرد:

صغری: غضبناک شدن خداوند از غضب حضرت زهرا پیروی خداوند از احساس یک بنده است.

کبری: پیروی خداوند از احساس یک بنده دون شأن و جایگاه خداوند و غیرممکن است.

نتیجه: غضبناک شدن خداوند به دنبال غضب حضرت زهرا دون شأن خداوند و غیرممکن است.

«عرعور» با زیر سؤال بردن دلالت حدیث، در پی انکار اصل این روایت می باشد؛ از این رو در پاسخ حلی به این شبهه، ابتدا مغالطه عرعور را تبیین می کنیم؛ سپس به بحث سند روایت و در ادامه، به بررسی دلالت آن می پردازیم. پس از پاسخ های حلی، به جواب های نقضی در این زمینه پرداخته، در نهایت برخی از مقامات اهل بیت علیهم السلام را بر پایه منابع شیعه ذکر می کنیم.

## پاسخ حلی

### بیان مغالطه عرعور

در این روایت سخن از تبعیت خداوند از بشر نیست؛ بلکه این حدیث در مقام بیان جایگاه والای معنوی حضرت زهرا سلام الله علیها و تسلیم محض بودن ایشان در پیشگاه پروردگار است که این مطلب نشانگر این است که آن حضرت به قدری تسلیم خداوند هستند و به نحوی اعمال ایشان مطابق با اراده الهی است که نه تنها رضایت و خشم ایشان به خاطر خداست؛ بلکه خداوند نیز به خاطر ایشان خشنود و غضبناک می شود.

بنابراین حدیث شریف «ان الله یغضب لغضبک» دلالت می کند که خداوند با غضبناک شدن به خاطر غضب حضرت زهرا سلام الله علیها، مقامی بسیار والا را برای ایشان ثابت می کند و مقامی بالاتر از مقام پیامبران الهی برای صدیقه طاهره قائل شده است چرا که حضرت یونس (علی نبینا و آله و علیه السلام) با آنکه پیامبر الهی و معصوم بود؛ ولی خداوند متعال با غضب او غضبناک نشد:

«وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

مِنَ الظَّالِمِينَ».

سوره انبیاء: ۸۷.

و ذُو النَّوْنِ (یونس) را [یاد کن]، آن گاه که خشمگین [از میان مردم خود] برفت و پنداشت که ما هرگز بر او تنگ نمی گیریم، [که ماهی او را بلعید]، پس درون تاریکی ها ندا در داد که معبودی جز تو نیست. منزهی تو. به راستی که من از ستمکاران بودم.

### معصومان، تجلی افعال الهی هستند

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در کنار خدا معرفی و مطرح می کند که حکایت از مقام والای رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد؛ از جمله:

خداوند در سوره ی توبه از بی نیازی مردم توسط خودش و پیامبرش سخن می گوید:

«أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ»

سوره توبه: ۷۴.

خدا و رسول او مردم را از فضلش غنا می بخشند.

در آیه ۸۰ سوره نساء نیز خداوند اطاعت از پیامبر را برابر با اطاعت خود معرفی کرده است:

«مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا»

سوره نساء: ۸۰.

هر کس پیامبر را اطاعت کند در حقیقت از خدا اطاعت کرده است و هر که روی برتابد ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستادیم. دو آیه فوق بیانگر مقام والا و ویژه رسول خداست و کسی نمی تواند ادعا کند که در این آیات خداوند خود را تابع و پیرو رسولش معرفی نموده است؛ این روایت هم مانند دو آیه فوق بیانگر مقام والای حضرت زهرا علیها السلام می باشد.

### خداوند، چشم و گوش و دست مؤمنان

از طرفی در منابع اهل سنت، شبیه همین مقامات برای مؤمنانی که به انجام مستحبات و نوافل می پردازند، ثابت شده است. حدیث زیر در این باره قابل توجه است:

أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحَبَّهُتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا...

صحیح البخاری ج ۵ ص ۲۳۸۴ ح ۱۳۷ محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاء: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا.

خداوند می فرماید: هر کس با ولی من دشمنی بورزد او را به جنگ با خود فراخوانده ام. و بنده من با چیزی محبوبتر از آنچه بر او واجب کرده ام به من تقرب نجسته است. پیوسته بنده من با نوافل به سوی من تقرب می جوید تا آنکه او را دوست بدارم. پس وقتی او را دوست داشتم، گوش او خواهم بود که با آن می شنود و چشم او خواهم بود که با آن می بیند و دست او که با آن اخذ می کند و پای او که با آن راه می پیماید...

همان طور که ملاحظه شد، در روایت صحیح بخاری، مؤمنی که به واسطه انجام مستحبات به خداوند تقرب می جوید، خداوند گوش شنوای او، چشم بینای او و دست و پای توانای او می شود؛ تمامی این تعابیر نه تنها تبعیت خداوند از بندگان را به دنبال ندارد؛ بلکه تنها در مقام بیان فضایل مؤمنانی است که علاوه بر واجبات، به انجام مستحبات نیز مداومت دارند.

پس اینکه می گوییم خداوند از غضب حضرت زهرا سلام الله علیها غضب می کند، در اصل غضب حضرت به دنبال غضب الهی است. چون وقتی خداوند از چیزی غضبناک است معصومان هم غضبناک می شوند و اراده آنها در تمامی لحظات از اراده خداوند جدا نیست.

عرعور با این مغالطه در پی زیر سؤال بردن اصل روایت است و می خواهد چنین روایتی را کذب قلمداد کند؛ غافل از اینکه این حدیث بر اساس دانش رجال از اعتبار کافی برخوردار است، علاوه بر اینکه علمای اهل سنت نیز به صحت و اعتبار این روایت اعتراف نموده اند.

## بررسی سند و اثبات صحت آن

### الف. بررسی راویان

«حاکم نیشابوری» این روایت شریف را با سند زیر گزارش نموده است:

قال الحاکم النیسابوری (متوفای ۴۰۵): «حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب ثنا الحسن بن علی بن عفان العامری وأخبرنا محمد بن علی بن دحیم بالكوفة ثنا أحمد بن حاتم (حازم) بن أبي غرزة قال ثنا عبد الله محمد بن سالم ثنا حسين بن زيد بن علی عن عمر بن علی عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علی بن الحسين عن أبيه عن علی رضی الله عنه قال قال رسول الله لفاطمة إن الله يغضب لغضبک ویرضی لرضاک...»

محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری (متوفای ۴۰۵)، المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۶۷، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الطبعة الأولى، بیروت، النشر: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م.

... رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود: همانا خدا به سبب غضب تو غضب می کند و با رضایت تو راضی می شود.

در این مجال به بررسی شرح حال یکایک راویان می پردازیم:

### محمد بن یعقوب

نام اولین راوی: «محمد بن یعقوب بن یوسف بن معقل بن سنان بن عبد الله» است.

«ذهبی» (متوفای ۷۴۸ق) در شرح حال او می نویسد:

«محمد بن یعقوب بن یوسف بن معقل بن سنان الإمام المحدث مسند العصر رحلة الوقت أبو العباس

الأموی...»

محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله (متوفای ۷۴۸)، سیر أعلام النبلاء ج ۱۵ ص ۴۵۲، تحقیق: شعیب الأرنؤوط،

محمد نعیم العرقسوسی، الطبعة التاسعة، بیروت، النشر: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳.

محمد بن یعقوب بن یوسف بن معقل بن سنان امام، محدث تکیه گاه دوران و محل رجوع مردم زمانه بود، [کنیه اش] ابوالعباس

اموی است.

او همچنین در «تذکره الحفاظ» چنین می نویسد:

«الأصم الإمام المفید الثقة محدث المشرق أبو العباس محمد بن یعقوب بن یوسف بن معقل بن سنان

الأموی»

محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله (متوفای ۷۴۸)، تذکره الحفاظ ج ۳ ص ۸۶۰، الطبعة الأولى، بیروت، النشر:

دار الکتب العلمیة، بی تا.

الأصم، امام، مفید، ثقه و حدیث گوی درخشنده، أبو العباس محمد بن یعقوب.

«ابن جوزی» (متوفای ۵۹۷ق) نیز درباره او می نویسد:

«محمد بن یعقوب بن یوسف بن معقل بن سنان بن عنان بن عبد الله الأموی مولاهم، أبو العباس

الأصم... وهو محدث کبیر...»

عبد الرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی أبو الفرج (متوفای ۵۹۷)، المنتظم فی تاریخ الملوک والأمم ج ۱۴ ص ۱۱۲، الطبعة

الأولى، بیروت، النشر: دار صادر، ۱۳۵۸.

... و او محدث بزرگی است.

«ابن کثیر» (متوفای ۷۷۴ق) او را چنین توصیف می کند:

«وكان ثقةً صادقاً ضابطاً لما سمعه ويسمعهم»

إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء (متوفای ۷۷۴)، البداية والنهاية ج ۱۱ ص ۲۳۲، بيروت، النشر: مكتبة المعارف، بی تا. او ثقة و راستگو و حافظ آن چیزی است که شنیده است و به گوش دیگران رسانده است.

وی در جای دیگر می نویسد:

«محمد بن يعقوب بن يوسف بن معقل بن سنان أبو العباس الأصم مولى بني أمية النيسابوري راوى المذهب،

كان إماماً، ثقةً، حافظاً، ضابطاً، صدوقاً، دينا، حدث فى الإسلام ستا وسبعين سنة.»

إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء (متوفای ۷۷۴)، طبقات الشافعيين ص ۲۷۰، محقق: أحمد عمر هاشم/ محمد زينهم محمد عزب، بی جا، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م.

راوى مذهب، پیشوا، مورد وثوق، حافظ حدیث، ضابط [اهل دقت در روایت نمودن احادیث]، راستگو و دیندار بود. هفتاد و شش سال در اسلام زندگی کرد.

### حسن بن علی بن عفان

نام راوی دوم «حسن بن علی بن عفان» است.

ابن ابی حاتم الرازی (متوفای ۳۲۷ق) درباره او می نویسد:

«الحسن بن علی بن عفان الكوفي روى عن معاوية بن هشام وأبى أسامة وعبد الله بن نمير كتبنا عنه وهو صدوق.»

ابن ابی حاتم الرازی التمیمی (متوفای ۳۲۷)، الجرح والتعديل ج ۳ ص ۲۲، الطبعة الأولى، بيروت، نشر: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۱ هـ - ۱۹۵۲ م.

حسن بن علی بن عفان کوفی از معاویه بن هشام و ابی اسامه و عبد الله بن نمیر روایت نقل کرده و ما از او روایت نقل کرده ایم، وی فردی راستگو است.

«ابن حبان» (متوفای ۳۵۴ق) نیز نام او را در کتاب «الثقات» خود ذکر نموده است:

«الحسن بن علی بن عفان العامري من أهل الكوفة يروى عن معاوية بن هشام وأبى نعيم والكوفيين ثنا عنه زكريا بن يحيى الساجي وغيره كنيته أبو محمد»

ابن حبان (متوفای ۳۵۴)، الثقات ج ۸ ص ۱۸۱، چاپ الأولى، بی جا، نشر: مؤسسه الكتب الثقافیة، ۱۳۹۳.

حسن بن علی بن عفان، از اهل کوفه، از معاویه بن هشام و ابو نعیم و کوفیان روایت نقل می کند، زکریا بن یحیی و دیگران از او حدیث نقل میکنند. کنیه اش ابو محمد است.

«ذهبی» (متوفای ۷۴۸) درباره او می نویسد:

«ابن عفان، المحدث الثقة المسند أبو محمد الحسن بن علی بن عفان العامری الكوفی»

محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله (متوفای ۷۴۸)، سیر أعلام النبلاء ج ۱۳ ص ۲۴، تحقیق: شعیب الأرنؤوط،

محمد نعیم العرقسوسی، الطبعة التاسعة، بیروت، النشر: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳.

ابن عفان، نقل کننده حدیث و مورد وثوق و [در حدیث] تکیه گاه است.

### محمد بن علی بن دحیم

نام وی «محمد بن علی بن دحیم بن کیسان» است.

«ذهبی» (متوفای ۷۴۸) نیز در شرح حال او می نویسد:

«ابن دحیم: الشیخ الثقة المسند الفاضل، محدث الكوفة، أبو جعفر محمد بن علی بن دحیم، الشیبانی

الكوفی.»

شمس الدین ذهبی (متوفای ۷۴۸)، سیر أعلام النبلاء ج ۱۶ ص ۳۶، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، الطبعة

التاسعة، بیروت، نشر: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳.

ابن دحیم: شیخ [استاد] مورد وثوق و تکیه گاه [و فردی] فاضل و محدث شهر کوفه بود.

«ابن عماد حنبلی» (متوفای ۱۰۸۹) نیز درباره او می نویسد:

«أبو جعفر محمد بن علی بن دحیم الشیبانی الكوفی مسند الكوفة فی زمانه»

عبد الحی العکری الدمشقی «ابن العماد الحنبلی» (متوفای ۱۰۸۹)، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب ج ۳ ص ۹، بیروت، نشر: دار

إحياء التراث العربی، بی تا.

أبو جعفر محمد بن علی، تکیه گاه کوفیان در دوران خود بود.

### أحمد بن (حاتم) حازم بن أبی غرزة

نام این راوی «أحمد بن حازم بن محمد بن یونس بن قیس بن أبی غرزة» است.

«ابن حبان» (متوفای ۳۵۴ق) نام او را در کتاب «الثقات» خود ذکر نموده و مورد اطمینان دانسته است:

«أحمد بن حازم بن أبي غرزة أبو عمرو من أهل الكوفة يروي عن جعفر بن عوف روى عنه أهل العراق والغرباء وهو من ولد قيس بن أبي غرزة مات في أول سنة سبع وتسعين ومائتين وكان متقنا وهو أحمد بن حازم بن محمد بن يونس بن حازم بن قيس بن أبي غرزة.»

ابن حبان (متوفای ۳۵۴)، الثقات ج ۸ ص ۴۴، چاپ الأولى، بی‌جا، نشر: مؤسسه الكتب الثقافیه، ۱۳۹۳

... از اهل کوفه که از جعفر بن عوف روایت می‌کند و اهل عراق و ناشناسان از او روایت می‌کنند. او از فرزندان غیث بن ابی غرزه بود که در ابتدای سال ۲۹۷ از دنیا رفت. و دارای اتقان بود.

«ذهبی» (متوفای ۷۴۸ق) درباره او می‌نویسد:

«ابن أبي غرزة، الامام، الحافظ الصدوق، أحمد بن حازم بن محمد بن يونس بن قيس بن أبي غرزة، أبو عمرو الغفاري الكوفي، صاحب «المسند». ولد سنة بضع وثمانين ومئة.»

محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله (متوفای ۷۴۸)، سیر أعلام النبلاء ج ۱۳ ص ۲۳۹، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، الطبعة التاسعة، بیروت، النشر: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۳.

ابن ابی غرزه، امام، حافظ احادیث، راستگو و صاحب کتاب المسند بود. در سال صد و هشتاد و اندی متولد شد.

«سیوطی» (متوفای ۹۱۱ق) نیز در شرح حال او می‌نویسد:

«ابن أبي غرزة الحافظ المجود أبو عمرو أحمد بن حازم الغفاري الكوفي صاحب المسند توفي في ذي الحجة سنة ست وسبعين ومائتين.»

عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطی (متوفای ۹۱۱)، طبقات الحفاظ ج ۱ ص ۲۷۰، الطبعة الأولى، بیروت، النشر: دار الكتب العلمية ۱۴۰۳.

ابن ابی غرزه، حافظ احادیث، فردی درست کار و صاحب کتاب المسند بود. در ذی حجه سال ۲۷۶ از دنیا رفت.

### عبد الله محمد بن سالم

نام وی «عبد الله بن سالم بن محمد بن الوليد» است.

«ابن حبان» (متوفای ۳۵۴ق) نام او را در کتاب «الثقات» خود ذکر نموده است:



«عبد الله بن محمد بن سالم المفلوج يروي عن عبيد الله بن موسى والكوفيين روى عنه الحضرمي ربما خالف.»

ابن حبان (متوفى ۳۵۴)، الثقات ج ۸ ص ۳۵۸، چاپ الأولى، بی جا، نشر: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۳۹۳.

از عبيد الله بن موسى و كوفيان روایت می کند و حضرمی از او روایت می کند وی [عبد الله بن محمد بن سالم] گاهی خطا می کند.

«ذهبی» (متوفای ۷۴۸ق) درباره او می نویسد:

«عبد الله بن سالم الزبيدي الكوفي القزاز المفلوج عن وكيع وطبقته وعنه أبو داود وابن ماجه وأبو يعلى الموصلي ثقة عابد توفي ۲۳۵. د ق.»

ذهبی (متوفای ۷۴۸)، الكاشف في معرفة من له رواية في كتب الستة ج ۱ ص ۵۵۶، تحقيق: محمد عوامة، چاپ الأولى، جده، نشر: دار القبلة للثقافة الاسلامية، ۱۴۱۳ - ۱۹۹۲ م.

وی مورد وثوق و اهل عبادت بود.

همچنین «ذهبی» در آخرین کتاب رجالی خود درباره وی می نویسد:

«عبد الله بن محمد بن سالم القزاز المفلوج. ما علمت به بأسا. قد حدث عنه أبو داود والحفاظ إلا أنه أتى بما لا يعرف.»

شمس الدين الذهبي (متوفای ۷۴۸)، میزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ۲۱ ص ۴۹۲، تحقيق: علی محمد البجاوی، چاپ الأولى، بیروت، نشر: دار المعرفة للطباعة والنشر، ۱۳۸۲ - ۱۹۶۳ م.

اشکالی در او نمی دانم. ابوداود و حفاظ از او نقل حدیث می کنند جز اینکه [گاهی] احادیثی نقل می کند که شناخته شده نیست [منکر است و با اعتقاد ما (اهل سنت) سازگاری ندارد].

«ابن حجر عسقلانی» (متوفای ۸۵۲ق) نیز پیرامون او می نویسد:

«عبد الله بن سالم أو ابن محمد بن سالم الزبيدي بالضم أبو محمد الكوفي القزاز المفلوج ثقة ربما خالف من كبار الحادية عشرة...»

ابن حجر العسقلانی الشافعی (متوفای ۸۵۲)، تقریب التهذیب ج ۱ ص ۴۹۵، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، چاپ الثانية، بیروت، نشر: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.

وی مورد وثوق است و گاهی خطا می کند. او از بزرگان طبقه یازدهم [راویان] است.

## حسین بن زید بن علی

نام وی «حسین بن زید بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب» است.

«دارقطنی» او را ثقة دانسته و می نویسد:

**«قلت له الحسين بن زید بن علی بن الحسين عن عبد الله بن محمد بن عمر بن علی عن أبيه عن جده عن علی فقال كلهم ثقات.»**

علی بن عمر أبو الحسن الدارقطنی البغدادی (متوفای ۳۸۵)، سؤالات البرقانی للدارقطنی ج ۱ ص ۲۲، پاکستان، النشر: کتب خانه جمیلی، ۱۴۰۴.

از دارقطنی درباره «حسین بن زید بن علی بن حسین از عبد الله بن محمد بن عمر بن علی از پدرش از جدش از علی»، پرسیدم، گفت همگی ثقة هستند.

«ابن عدی» (متوفای ۳۶۵ق) در الكامل فی الضعفاء، تصریح می کند که اشکالی بر او نیست:

**«قال الشيخ: وللحسين بن زید أحاديث غير ما ذكرته يحدث عنه أهل الكوفة وأهل الحجاز ويحدث هو عن أبي جعفر محمد بن علی وعن أبيه جعفر وعن أخي جعفر كما أمليت ويحدث عن قوم آخرين من أهل البيت كما ذكرت بعضه وجملة حديثه عن أهل البيت وأرجو أنه لا بأس به إلا أني وجدت في بعض حديثه النكرة.»**  
عبد الله بن عدی الجرجانی (متوفای ۳۶۵)، الكامل فی ضعفاء الرجال ج ۲ ص ۳۵۱، تحقیق: یحیی مختار غزاوی، چاپ الثالثة، بیروت، نشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، محرم ۱۴۰۹ - ۱۹۸۸ م.

شیخ [نویسنده همین کتاب] می گوید: غیر از آنچه ذکر کردم، حسین بن زید احادیث دیگری نیز دارد که اهل کوفه و حجاز از او نقل می کنند. و همانطور که املا کردم او از محمد بن علی و پدرش جعفر و از برادرش جعفر، روایت نقل می کند؛ از قومی دیگر از اهل بیت نیز روایت می کند همان گونه که بعضی از آنها و همه روایاتش از اهل بیت را ذکر کردم. و امید دارم که اشکالی در او نباشد جز آنکه در بعضی از روایاتش حدیث منکر [خلاف اعتقاد اهل سنت] دیدم.

«ابن حجر عسقلانی» (متوفای ۸۵۲ق) نیز پیرامون او می نویسد:

**«الحسين بن زید بن علی بن الحسين بن علی بن أبي طالب صدوق ربما أخطأ من الثامنة مات وله ثمانون سنة في حدود التسعين.»**

ابن حجر العسقلانی الشافعی (متوفای ۸۵۲)، تقریب التهذیب ج ۱ ص ۲۱۵، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، چاپ الثانية، بیروت، نشر: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.

... راستگو است. گاهی خطا می کند. وی در زمره طبقه ی هشتم راویان است. در حدود سال ۹۰ق در حالی که هشتاد ساله بود از دنیا رفت.

«علی بن مدینی» (متوفای ۲۳۴ق) در توصیف او می نویسد:

«وسألت علیاً عن حسین بن زید بن علی؟ فقال: كان فيه ضعف ويكتب حديثه قال أبو جعفر حدثنا علي عنه  
علي المنبر، يعني حسيناً.»

«علی بن مدینی» (متوفای ۲۳۴)، سوالات محمد بن عثمان بن ابی شیبۀ ص ۱۱۳، تحقیق: موفق عبد الله عبد القادر، چاپ الأولى،  
الرياض، نشر: مكتبة المعارف، ۱۴۰۴

محمد بن عثمان بن ابی شیبۀ می گوید از علی بن مدینی درباره حسین بن زید بن علی پرسیدم، وی گفت: ضعفی در او هست،  
اما حدیثش نوشته می شود. ابو جعفر [محمد بن عثمان بن ابی شیبۀ] می گوید: علی [بن مدینی] روی منبر برای ما از حسین  
[بن زید] حدیث نقل می کرد.

«ابو نعیم اصفهانی» وقتی این روایت را با این سند نقل می کند، تصریح می کند که او از زمره اهل بیت علیهم السلام است:

«حدثنا أبو بكر الطلحي، ثنا محمد بن عبد الله الحضرمي، ثنا عبد الله بن محمد بن سالم، حدثنا حسين بن  
زيد بن علي بن الحسين، عن علي بن عمر بن علي، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين،  
عن الحسين بن علي، عن علي بن أبي طالب، عن النبي صلى الله عليه وسلم أنه قال: «يا فاطمة، إن الله  
تعالى يغضب لغضبك ويرضى لرضاك» تفرد برواية هذا الحديث العترة الطيبة خلفهم عن سلفهم حتى  
ينتهي إلى النبي صلى الله عليه وسلم.»

ابو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی (متوفای ۴۳۰)، معرفة الصحابة ج ۱ ص ۹۳، تحقیق: عادل بن يوسف العزازی، چاپ الأولى،  
الرياض، نشر: دار الوطن للنشر، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م.

... این روایت را فقط عترت پاک نبی اکرم نقل کرده اند که متاخرین آنها از متقدمین روایت نموده اند تا برسد به نبی اکرم صلی  
الله علیه و آله.

لازم به ذکر است که برخی نویسندگان اهل سنت، برای تضعیف این روایت، اشکال اصلی را متوجه حسین بن زید کرده، او را  
منکر الحدیث معرفی کرده اند.

برای مثال، ذهبی ذیل روایتی که حاکم در المستدرک آورده و تصریح به صحت سند آن می کند، بر این راوی ایراد وارد کرده، چنین می نویسد:

### تعليق الذهبی فی التلخیص: بل حسین بن زید منکر الحدیث.

الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای ۴۰۵ هـ)، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷، مع تعلیقات الذهبی فی التلخیص، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م. تعلیقه ذهبی در التلخیص: حسین بن زید منکر الحدیث است.

در پاسخ به این اشکال، علاوه بر توثیقاتی که درباره وی ذکر شد، باید گفت:

طبق تصریحات علمای اهل سنت، هر منکر الحدیثی ضعیف نبوده و اگر میزان سنجش ضعف راوی «منکر الحدیث بودن» باشد، تمامی محدثان اهل سنت از درجه اعتبار ساقط می شوند چنانچه ابن حجر در شرح حال «حسین بن فضل بجلی» به این واقعیت تصریح می کند:

### فلو کان کل من روی شیئاً منکراً استحق أن یذکر فی الضعفاء لما سلم من المحدثین أحد.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲ هـ)، لسان المیزان، ج ۲، ص ۳۰۷، تحقیق: دائرة المعارف النظامیة - الهند، ناشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م. اگر هر کس که روایت منکر نقل کند مستحق باشد که ما او را جزو راویان ضعیف ذکر کنیم، احدی از محدثان سالم نخواهد ماند. همچنین ذهبی در شرح حال احمد بن عتاب مروزی در میزان الاعتدال می گوید:

### لیس ما کل من روی المناکیر یضعف.

الذهبی الشافعی، شمس الدین ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸ هـ)، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ج ۱، ص ۲۵۹، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۹۵ م.

اللکنوی الہندی، ابوالحسنات محمد عبدالحی (متوفای ۱۳۰۴ هـ)، الرفع والتکمیل فی الجرح والتعدیل، ج ۱، ص ۲۰۱، تحقیق: عبد الفتاح ابوغده، ناشر: مکتب المطبوعات الإسلامیة - حلب، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۷. هر کس که روایات منکر نقل کند، تضعیف نمی شود.

علاوه بر مطالب فوق، گاهی واژه «منکر الحدیث» به برخی از راویان مورد وثوق نیز اطلاق می شود.

حاکم نیشابوری از دار قطنی پیرامون یک راوی چنین سوال می کند:

**فسلیمان بن بنت شرحبیل قال: ثقة، قلت: أليس عنده مناكير؟ قال: يحدث بها عن قوم ضعفاء فأما هو، فهو ثقة الدار القطنی.**

الدارقطنی البغدادی، ابوالحسن علی بن عمر (متوفای ۳۸۵هـ)، سوالات الحاکم النیسابوری للدارقطنی، تحقیق: د. موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، ناشر: مکتبه المعارف - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴م.

به دارقطنی گفتم سلیمان نوه دختری شرحبیل از نظر شما چگونه فردی است؟ گفت: مورد وثوق است؛ گفتم: آیا روایات منکر [خلاف اعتقادات] نقل نمی کند؟ گفت: این گونه روایات را از افراد ضعیف نقل کرده است؛ اما خودش مورد اعتماد است. ثانیاً، طبق مبنای علم رجال اهل سنت، اگر یک راوی هم جرح [تضعیف] داشته باشد و هم تعدیل [توثیق]، مادامی که جرح او مفسر نباشد، تضعیف نمی شود و حداقل روایت او حسن (نوعی از حدیث معتبر) است و در اصطلاح به او مختلف فیه گفته می شود.

برای مثال ابن حجر عسقلانی درباره قزعه بن سوید می نویسد:

**أما قزعه بن سوید... واختلف فيه كلام يحيى بن معين فقال عباس الدوري عنه ضعيف وقال عثمان الدارمي عنه ثقة وقال أبو حاتم محله الصدق وليس بالمتمين يكتب حديثه ولا يحتج به وقال ابن عدی له أحاديث مستقيمة وأرجو أنه لا بأس به وقال البزار لم يكن بالقوى وقد حدث عنه أهل العلم وقال العجلي لا بأس به وفيه ضعيف.**

قزعه بن سوید... سخن یحیی بن معین در مورد او مختلف است. عباس دوری از او نقل می کند که وی ضعیف است. عثمان دارمی از او نقل می کند که ثقة است. ابوحاتم می گوید: راستگوست ولی قوی نیست حدیثش نوشته می شود ولی به آن احتجاج نمی شود. ابن عدی می گوید احادیث خوبی دارد امیدوارم مشکلی در او نباشد. بزار می گوید: قوی نیست اهل حدیث از او روایت کرده اند. عجلی می گوید: مشکلی ندارد در او ضعف است.

اما در نهایت این گونه حکم می کند:

**فالحاصل من كلام هؤلاء الأئمة فيه أن حديثه في مرتبة الحسن والله أعلم.**

العسقلانی، أحمد بن علی أبو الفضل، القول المسدد فی الذب عن المسند للإمام أحمد، صلی الله علیه و آله ۳۰، المحقق: مکتبه

ابن تیمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۱، دارالنشر: مکتبه ابن تیمیة - القاهرة.

نتیجه سخن علما در مورد او این است که حدیث وی، «حسن = معتبر» است.

**عمر بن علی**

نام وی «عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب» است.

«ابن حبان» (متوفای ۳۵۴ق) نام او را در کتاب «الثقات» خود ذکر کرده است:

**«عمر بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب یروی عن أبیه روى عنه بن أخیه جعفر بن محمد بن علی**

**یخطی.»**

ابن حبان (متوفای ۳۵۴)، الثقات ج ۷ ص ۱۸۰، چاپ الأولى، بی‌جا، نشر: مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۳۹۳.

عمر بن علی، از پدرش روایت نقل می‌کند و پسر برادرش از وی [عمر بن علی] روایت می‌کند.

«ابن حجر عسقلانی» (متوفای ۸۵۲ق) نیز درباره وی چنین می‌نویسد:

**«عمر بن علی بن الحسین بن علی الهاشمی المدنی صدوق فاضل من السابعة.»**

ابن حجر العسقلانی الشافعی (متوفای ۸۵۲)، تقریب التهذیب ج ۱ ص ۷۲۴، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، چاپ الثانیه، بیروت،

نشر: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.

عمر بن علی، فردی راستگو و فاضل و از طبقه هفتم راویان بوده است.

**جعفر بن محمد عن أبیه عن علی بن الحسین عن أبیه عن علی علیهم السلام**

بقیه ی راویان این حدیث، امام صادق علیه السلام و پدرشان و اجداد طاهرین شان تا امیرمومنان علیه السلام هستند که در

وثاقتشان شک و شبهه ای نیست و نیاز به بررسی سندی ندارد.

بنابراین روایت شریف «قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لفاطمه إن الله يغضب لغضبک ویرضی لرضاک» از نظر علم رجال،

کاملاً صحیح و معتبر است.

علاوه بر اینکه یکایک راویان این حدیث از وثاقت کافی برخوردار بودند، علمای اهل سنت نیز این روایت را تصحیح نموده اند

که در ادامه به ذکر آنها می‌پردازیم.

**ب. تصحیح روایت، توسط علمای اهل سنت**

بسیاری از علمای اهل سنت این روایت را در کتب خود ذکر و به معتبر بودن آن اذعان داشته اند که برای روشن شدن این مسأله،

مواردی را ذکر می‌کنیم:

## تصحیح طبرانی (متوفای ۳۶۰ ق)

قال الطبرانی (متوفای ۳۶۰): «حدثنا بشر بن موسى ومحمد بن عبد الله الحضرمي قالا ثنا عبد الله بن محمد بن سالم القزازی قال ثنا حسين بن زيد بن علي وعلي بن عمر بن علي عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علي بن الحسين عن الحسين بن علي عن علي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لفاطمة أن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك»

سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبرانی (متوفای ۳۶۰)، المعجم الكبير ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۱۸۲ و ج ۲۲ ص ۴۰۱، ح ۱۰۰۱، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، الطبعة الثانية، الموصل، النشر: مكتبة الزهراء، ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳.

محقق این کتاب در پاورقی جلد اول می نویسد:

«فی هامش الأصل: هذا حديث صحيح الاسناد وروى من طرق عن علي عليه السلام رواه الحارث عن علي وروى مرسلًا وهذا الحديث احسن شيء رأيته وأصح اسناد قرأته انتهى.»

سند این حدیث صحیح است و از چند طریق از علی علیه السلام نقل شده است. حارث آن را از علی علیه السلام به صورت مرسل روایت کرده است. این، بهترین حدیثی است که دیده ام و صحیح ترین سندی است که خوانده ام.

## تصحیح حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ق)

قال الحاكم النيسابوري (متوفای ۴۰۵ ق): «حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب ثنا الحسن بن علي بن عفان العامري وأخبرنا محمد بن علي بن دحيم بالكوفة ثنا أحمد بن حاتم بن أبي غرزة قال ثنا عبد الله محمد بن سالم ثنا حسين بن زيد بن علي عن عمر بن علي عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علي بن الحسين عن أبيه عن علي رضي الله عنه قال قال رسول الله لفاطمة إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه.»

محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري (متوفای ۴۰۵)، المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۶۷، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطاء، الطبعة الأولى، بیروت، النشر: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م.

...سند این حدیث، صحیح است؛ ولی بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند.

### ابن حجر هیثمی (متوفای ۸۰۷ ق)

قال الهیثمی (متوفای ۸۰۷ ق): «وعن علی قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم إن الله یغضب لغضبک ویرضی

لرضاک رواه الطبرانی **وإسناده حسن**».

علی بن أبی بکر الهیثمی (متوفای ۸۰۷)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ج ۹ ص ۲۰۳، النشر: القاهرة، دار الریان للتراث/بیروت، دار  
الکتاب العربی، ۱۴۰۷.

هیثمی می گوید: علی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: همانا خداوند از غضب تو غضب می کند. این روایت را  
طبرانی نقل کرده و سندش حسن «معتبر» است.

### ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ق)

ابن حجر عسقلانی این حدیث را به نقل از حاکم نیشابوری نقل می کند:

قال العسقلانی (متوفای ۸۵۲): «حدیث، کم: قال لفاطمة: إن الله یغضب لغضبک، ویرضی لرضاک. کم فی مناقب

فاطمة: ثنا أبو العباس، ثنا الحسن بن علی العامری، وأنا محمد بن علی، ثنا أحمد بن حازم، قال: ثنا عبد الله

بن محمد بن سالم، ثنا حسین بن زید بن علی، عن جعفر بن محمد، عن أبیه، بهذا، وقال: صحیح الإسناد.»

ابن حجر العسقلانی (متوفای ۸۵۲)، إتحاف المهرة ج ۱۱، ص ۳۴۵، تحقیق: عبد العظیم البستوی، المدینة المنورة، نشر:  
مجمع الملك فهد / ومركز خدمة السنة والسيره النبویه، ۱۹۹۶ م.

وی بعد از نقل حدیث، تصحیح حاکم نیشابوری را پیرامون این حدیث نقل می کند.

### سیوطی (متوفای ۹۱۱ ق)

جلال الدین عبدالرحمن سیوطی نیز در کتاب الثغور الباسمة تصریح می کند که سند این روایت، حسن است:

أخرج الطبرانی **بسند حسن** عن علی قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم قال لفاطمة: إن الله ویرضی

لرضاک و یغضب لغضبک.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الثغور الباسمة فی مناقب سیدتنا فاطمة، ص ۱۱.



## صالحى شامى (متوفى ٩٤٢ ق)

قال الصالحى (متوفى ٩٤٢): «**روى الطبرانى بإسناد حسن** وابن السنى فى معجمه وأبو سعيد النيسابورى فى «الشرف» عن على رضى الله تعالى عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لفاطمة «إن الله تعالى يغضب لغضبك ويرضى لرضاك» انتهى.»

محمد بن يوسف الصالحى الشامى (متوفى ٩٤٢)، سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد ج ١١ ص ٤٥، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، الطبعة الأولى، بيروت، النشر: دار الكتب العلمية، ١٤١٤.

## مناوى (متوفى ١٠٣١ ق)

«مناوى» نیز این روایت را از «طبرانى» نقل و سپس روایت را تصحيح مى کند:

قال المناوى (متوفى ١٠٣١): «عن على رضى الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لفاطمة «إن الله يرضى لرضاك ويغضب لغضبك» **رواه الطبرانى بإسناد حسن**.»

زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن على بن زين العابدين الحدادى ثم المناوى القاهرى (متوفى ١٠٣١)، اتحاف السائل بما لفاطمة من المناقب والفضائل ص ٦٥، تحقيق: عبد اللطيف عاشور، القاهرة، النشر: مكتبة القرآن للطبع والنشر والتوزيع، بى تا.

## محمد بن على الصبان الشافعى (متوفى ١٢٠٦ ق)

وى نیز از قول طبرانى این روایت را نقل و به حسن بودن سند آن نیز اشاره مى کند:

**وروى الطبرانى وغيره بإسناد حسن** عن على ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لفاطمة ان الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك.

الصبان، محمد، اسعاف الراغبين فى سيرة المصطفى وفضائل أهل بيته الطاهرين، ص ٦٧.

## زرقانی (متوفای ۱۱۲۲ ق)

زرقانی نیز در شرح المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة این روایت را از طبرانی نقل و تصریح می کند که سند این روایت صحیح است:

**أخرج الطبرانی فی الأوسط بسند صحیح علی شرط الشیخین، وأخرجه ابن أبی عاصم عن علی أنه صلی الله علیه وسلم، قال لفاطمة: "إن الله یغضب لغضبک ویرضی لرضاک".**

الزرقانی المالکی، أبو عبد الله محمد بن عبد الباقي بن يوسف بن أحمد بن شهاب الدين بن محمد (المتوفى: ۱۱۲۲هـ)، شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، ج ۴، ص ۳۳۱، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ-۱۹۹۶م، دارالنشر: دار الکتب العلمیة. طبرانی در اوسط با سند صحیح به روش شیخین، آن را نقل کرده است. ابن ابی عاصم از علی نقل کرده که پیامبر به فاطمه فرمود: همانا خدا از غضب تو غضبناک و با رضایت تو، راضی می شود.

حال سؤال اینجاست، علمای اهل سنت که این روایت را تأیید می کنند، آیا خداوند را تابع حضرت زهرا سلام الله علیها می دانند و آیا حضرت فاطمه سلام الله علیها شریک خدا است؟ اگر این گونه است، آیا تمامی علمایی که روایت فوق را معتبر شمرده اند، از نظر شما وهابیان، مشرک هستند؟!

جالب اینجاست که مضمون فوق [رضایت و غضب خداوند به خاطر رضایت و غضب حضرت زهرا سلام الله علیها] تنها به روایتی که گذشت، خلاصه نمی شود؛ بلکه مضمون این روایت «**إن الله یغضب لغضبک ویرضی لرضاک**»، از دیگر منابع اهل سنت نیز قابل اثبات است که در ادامه به آن می پردازیم:

### ج. وجود روایات دیگر در منابع اهل سنت به همین مضمون

روایاتی با تعبیر «فاطمة بضعة منی فمن اغضبها اغضبتنی» که در منابع مهم اهل سنت مثل صحیح بخاری و مسلم و... آمده، بیانگر خشم پیامبر صلی الله علیه وآله به سبب خشم حضرت فاطمه سلام الله علیها می باشد و قرار دادن این روایت در کنار احادیثی که غضب خدا را به خاطر غضب پیامبر صلی الله علیه وآله مطرح می کند، دلیل دیگری بر خشم خدا به خاطر خشم فاطمه و اثبات مدلول این حدیث است. اینک هر دو دسته روایت ذکر می شود:

### الف. غضب فاطمه مساوی با غضب رسول اکرم است

بخاری در صحیحش چنین نقل می کند:

حدثنا أبو الوليد حدثنا بن عيينة عن عمرو بن دينار عن بن أبي مليكة عن المسور بن مخرمة أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال فاطمة بضعة مني فمن أغضبها أغضبني

محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة:

الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، صحيح البخاري ج ٣ ص ١٣٦١.

...فاطمه پاره وجود من است. هر کس او را خشمگین کند، مرا خشمگین کرده است.

مسلم به سند خودش از مسور بن مخرمه نقل می کند:

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِينِي مَا آذَاهَا».

صحيح مسلم ج ٧، ص ١٤١، ح ٦٢٠٢، كتاب فضائل الصحابة، ب ١٥ باب فضائل فاطمة بنت النبي عليها الصلاة والسلام.

...همانا فاطمه پاره وجود من است؛ هر چه او را بیازارد مرا می آزارد.

**ب. غضب پیامبر (ص) مساوی با غضب خداوند**

هیثمی به نقل از طبرانی با سند معتبر نقل می کند:

وعن أم سلمة قالت أشهد أني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من أحب عليا فقد أحبني ومن

أحبنى فقد أحب الله ومن أبغض عليا فقد أبغضني ومن أبغضني فقد أبغض الله.

رواه الطبرانی وإسناده حسن.

مجمع الزوائد ج ٩، ص ١٣٢، علی بن ابی بکر الهیثمی الوفاة: ٨٠٧، دار النشر: دار الريان للتراث/دار الكتاب العربي - القاهرة،

بیروت - ١٤٠٧.

... هر کس علی را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس علی را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است و هر کس مرا دشمن

بدارد خدا را دشمن داشته است.

بخاری در ماجرای دو زن [عایشه و حفصه] که علیه پیامبر صلی الله علیه وآله توطئه نمودند به نقل از عمر چنین می نویسد:

٢٣٣٦ حدثنا يحيى بن بكير حدثنا الليث عن عقيل عن بن شهاب قال أخبرني عبيد الله بن عبد الله بن أبي

ثور عن عبد الله بن عباس رضي الله عنهما... فوالله إن أزواج النبي ليراجعنه وإن إحداهن لتتهجره اليوم

حتى الليل فأفزعتني فقلت خابت من فعل منهن بعظيم ثم جمعت علي ثيابي فدخلت علي حفصه فقلت أي

حَفْصَةُ أَتَغَاضِبُ إِحْدَاكُنَّ رَسُولَ اللَّهِ الْيَوْمَ حَتَّى اللَّيْلِ فَقَالَتْ نَعَمْ فَقُلْتَ خَابَتْ وَخَسِرَتْ أَفْتَأَمْنُ أَنْ يَغْضَبَ اللَّهُ

لِغَضَبِ رَسُولِهِ....

محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ٢٥٦، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة:

الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، صحيح البخاري ج ٢، صص ٨٧١-٨٧٢.

عمر گفت: به خدا سوگند همسران پیامبر [ صلی الله علیه وآله ] به ایشان رجوع کردند، یکی از آنان یک روز تا شب پیامبر [ صلی الله علیه وآله ] را رها کرد، من ترسیدم و با خود گفتم هر کدام از زنان ایشان این کار را کرده باشد، خطای بزرگی مرتکب شده است، لباس هایم را پوشیدم و بر حفصه وارد شدم و گفتم ای حفصه آیا یکی از شما [همسران پیامبر صلی الله علیه وآله] امروز تا شب رسول خدا را خشمگین کرده اید؟! حفصه گفت آری! گفتم: [کسی که مرتکب این کار شده] زیان کار است آیا از خشم و غضب خداوند به سبب غضب رسولش در امان است؟...

همان طور که گذشت در روایت بخاری غضب حضرت زهرا سلام الله علیها غضب پیامبر صلی الله علیه وآله را به دنبال داشت و بر اساس روایت هیثمی به نقل از طبرانی و روایت بخاری، غضب رسول خدا صلی الله علیه وآله غضب پروردگار را به دنبال دارد؛ بنابراین با ضمیمه کردن این دو دسته روایات به یکدیگر، چنین نتیجه گرفته می شود که غضب حضرت زهرا مستلزم غضب خداوند است و خداوند به خاطر غضب ایشان غضب می کند.

پاسخ نقضی

آیات قرآن

در قرآن کریم، مواردی مطرح شده که فعل خدا را در پی افعال بندگان مطرح می کند. اگر -همانطور که عرعور می گوید- آمدن فعل الهی در پی فعل بندگان، علامت پیروی و تبعیت خدا باشد، در این موارد قرآنی هم باید علامت تبعیت خدا و دون شان او باشد که هیچ کس حتی خود عرعور به آن ملتزم نیست. برخی از این آیات چنین اند:

الف: در سوره بقره می فرماید:

«قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضها فول وجهك شطر المسجد الحرام وحيث ما كنتم

فولو وجوهكم شطره». سوره بقره، آیه ی ١٤٤.

ما گردش رویت را در جهت آسمان می بینیم پس یقیناً تو را به سوی قبله ای که آن را بیسندی بر می گردانیم پس رویت را به سوی مسجد الحرام گردان و شما نیز هر جا که باشید روی خود را به سوی آن برگردانید.

طبق این آیه خداوند قبله مسلمین را آن گونه که پیامبرش می پسندد و مورد رضایت وی واقع می شود تغییر می دهد. تغییر قبله مسلمین مسئله قابل اهمیت و حیاتی بوده و خداوند این امر مهم را منوط به رضایت و خشنودی پیامبرش قرار داده است.

**ب: در سوره آل عمران می فرماید:**

**«قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله».** سوره آل عمران، آیه ی ۳۱.

بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید، تا او نیز دوستتان بدارد.

در این آیه به صراحت محبت خدا را منوط به تبعیت از رسول او معرفی میکند که بنا بر استدلال عرعور این خود نوعی تبعیت خدا از بندگان است.

**ج. در سوره نساء می فرماید:**

**«من يطع الرسول فقد اطاع الله و من تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا».** سوره نساء، آیه ی ۸۰.

هر کسی پیامبر را اطاعت کند در حقیقت از خدا اطاعت کرده است و هر که روی برتابد ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستادیم.

در این آیه، خداوند اطاعت از رسول را در ردیف اطاعت از خود قرار داده است. آیا باید طبق این آیه ادعا شود که خداوند از رسول گرامی اسلام تبعیت می کند؟ و آیا رسول الله صلی الله علیه وآله، شریک خداوند است؟!

**«فَعَصُوا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً».** سوره حاقه، آیه ی ۱۰.

و از فرمان فرستاده ی پروردگارشان سرپیچی کردند پس آنها را بکیفری سخت بگرفت.

از مفاد این آیه هم فهمیده میشود که کیفر الهی در پی عصیان مردم از امر رسولشان آمده است.

اکنون باید از عرعور پرسید که طبق این آیات، آیا خدا تابع عمل بندگان است؟

**روایات اهل سنت**

روایاتی در منابع اهل سنت وجود دارد که بیان می کند نظر و عمل خدای متعال پیرو عمل یک بنده است.

## اراده خدا تابع اراده عمر

یکی از این روایات، تشریح حکم حجاب و برخی از احکام دیگر بر اساس نظر خلیفه دوم است. بخاری نقل کرده است:

حدثنا مُسَدَّدٌ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حُمَيْدٍ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ قَالَ عُمَرُ وَأَفْتَتُ اللَّهَ فِي ثَلَاثٍ أَوْ وَأَفْتِنِي رَبِّي فِي ثَلَاثٍ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ اتَّخَذْتَ مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّيً وَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَدْخُلُ عَلَيْكَ الْبَرُّ وَالْفَاجِرُ فَلَوْ أَمَرْتَ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ بِالْحِجَابِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ آيَةَ الْحِجَابِ قَالَ وَبَلَّغْنِي مُعَاتَبَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْضَ نِسَائِهِ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِنَّ قُلْتُ إِنْ أَنْتَهَيْتَنَّ أَوْ لِيَبْدَلَنَّ اللَّهُ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرًا مِنْكَنَّ حَتَّى أَتَيْتُ إِحْدَى نِسَائِهِ قَالَتْ يَا عُمَرُ أَمَا فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا يَعِظُ نِسَاءَهُ حَتَّى تَعِظَهُنَّ أَنْتَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ ( عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ...

صحیح البخاری ج ۴ ص ۱۶۲۹ ح ۴۲۱۳، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامه - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا.

عمر می گوید: با خدا در سه جا موافقت کردم یا خدا در سه مورد با من موافقت کرد؛ گفتم ای رسول خدا اگر مقام ابراهیم را محل نماز قرار می دادی؛ و گفتم ای پیامبر آدم های خوب و بد بر شما وارد می شوند اگر به مادران مؤمنین [همسران رسول خدا صلی الله علیه وآله] دستور دهی حجاب را رعایت کنند [بهتر است] در این هنگام خداوند آیه حجاب را نازل کرد. به من خبر رسید که پیامبر [صلی الله علیه وآله] بعضی از زنانش را سرزنش نموده، بر زنان ایشان وارد شدم و گفتم یا [به آزار و اذیتان] پایان دهید یا خداوند بهتر از شما نصیب پیامبرش می گرداند، پیش یکی از همسرانش رفتم، او گفت ای عمر رسول خدا زنانش را نصیحت نمی کند تا اینکه تو آنها را نصیحت کنی؛ در این هنگام خداوند این آیه را نازل نمود: « امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان.....».

حال سوال اینجاست که چگونه است که اگر خدا بر اساس نظر و میل شخصی عمر حکمی بر همه بندگان خویش تشریح نماید و موافق عمر بن خطاب عمل کند، خلاف شان او نیست اما اگر به خاطر غضب حضرت زهرا سلام الله علیها، غضب کند خلاف شان خداوند عزوجل است؟

## نافرمانی حاکم، مساوی با نافرمانی خدا

روایت بعدی بیانگر این است که اطاعت از امیر جامعه، اطاعت از رسول و اطاعت رسول، همان اطاعت از خداست:

من أَطَاعَنِی فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصَانِی فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ وَمَنْ يُطِيعِ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَنِی وَمَنْ یُعْصِ الْأَمِيرَ فَقَدْ عَصَانِی.

صحیح البخاری ج ۳، ص ۱۰۸۰، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا.

هر کس مرا اطاعت کند خدا را اطاعت کرده و هر کس مرا نافرمانی کند خدا را نافرمانی نموده است. و هر کس از امیر و فرمانروا اطاعت کند، مرا اطاعت کرده و هر کس از امیر نافرمانی نماید، مرا نافرمانی کرده است. طبق روایت فوق اگر کسی از امیر جامعه اطاعت کند از رسول خدا صلی الله علیه وآله اطاعت کرده و در نتیجه از خدا اطاعت کرده و هر کسی مرتکب نافرمانی از امیر جامعه شود، پیامبر صلی الله علیه وآله و خدا را عصیان نموده است.

حال باید از عرعور پرسید آیا در اینجا اراده خدا تابع اراده ظامیر جامعه است؟ چرا در اینجا لب به اعتراض نمی گشاید؟

### نظر ابن تیمیه (غضب و رضای خدا به خاطر غضب و رضای مشایخ و مؤمنان)

جالب اینکه شبیه روایت مورد انکار عرعور، در کلام ابن تیمیه نسبت به مشایخ و مؤمنان هم آمده است:

وی در کتاب مجموع الفتاوی چنین می نویسد:

وَأَمَّا قَوْلُ الْقَائِلِ: إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لِرِضَا الْمَشَايخِ وَيَغْضَبُ لِعُضْبِهِمْ.

فَهَذَا الْحُكْمُ لَيْسَ هُوَ لِجَمِيعِ الْمَشَايخِ وَلَا مُخْتَصٌّ بِالْمَشَايخِ بَلْ كُلُّ مَنْ كَانَ مُوَافِقًا لِلَّهِ: يَرْضَى مَا يَرْضَاهُ اللَّهُ

وَيَسْخَطُ مَا يَسْخَطُ اللَّهُ كَانَ اللَّهُ يَرْضَى لِرِضَاهُ وَيَغْضَبُ لِعُضْبِهِ مِنَ الْمَشَايخِ وَغَيْرِهِمْ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ مِنْ

الْمَشَايخِ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الصِّفَةِ

أحمد عبد الحليم بن تیمیه الحرانی أبو العباس الوفاة: ۷۲۸، مجموعة الفتاوی، ج ۱۱، ص ۵۱۵، دار النشر: مكتبة ابن تیمیه، الطبعة:

الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی.

اما این قول که می گوید: «همانا خدا به خاطر رضایت مشایخ راضی می شود و به خاطر غضب آن ها به خشم می آید»، این حکم برای همه مشایخ نیست، همچنین مختص به مشایخ هم نیست؛ بلکه هر کسی که با خدا موافق است یعنی آنچه خدا را راضی می کند، او را نیز راضی گرداند و از آنچه خدا ناراضی است، ناراضی باشد، خداوند نیز به خاطر رضایتش راضی و به خاطر

غضبش غضبناک می شود؛ خواه این شخص از مشایخ باشد یا غیر مشایخ. و اگر کسی از مشایخ اینگونه نباشد [از آنچه خدا راضی است، راضی باشد و از آنچه خدا ناراضی است، ناراضی باشد] از این دسته نیست.

ابن تیمیه در چند کتاب دیگرش نیز رضا و غضب الهی را دائر مدار رضا و غضب مؤمنان می داند:

**فإن المحبة مستلزمة للجهاد لأن المحب يحب ما يحب محبوبه ويبغض ما يبغض محبوبه ويوالي من يواليه ويعادي من يعاديه ويرضى لرضاه ويبغض لغضبه** ويا أمر بما يأمر به وينهى عما ينهى عنه فهو موافق له في ذلك وهؤلاء هم الذين يرضى الرب لرضاهم ويبغض لغضبهم إذ هم انما يرضون لرضاه ويبغضون لما يبغض له.

أحمد عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ٧٢٨، مجموعة الفتاوى ج ١٠، ص ٥٨، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي؛ أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني الوفاة: ٧٢٨، التحفة العراقية، ص ٤٤، دار النشر: المطبعة السلفية - القاهرة - ١٣٩٩، الطبعة: الثانية؛ أحمد بن تيمية الوفاة: ٧٢٨، أمراض القلوب وشفائها ص ٤٤، دار النشر: المطبعة السلفية - القاهرة - ١٣٩٩ هـ الطبعة: الثانية.

محبت، مستلزم جهاد است؛ برای اینکه محب، آنچه را محبوبش می پسندد، دوست دارد و آنچه را محبوبش نمی پسندد، دوست ندارد. با هر کس که محبوبش دوستی کند، او نیز دوستی می کند و با هر کس که دشمنی می کند، او هم دشمن است. به خاطر رضایتش، راضی و به خاطر غضبش، غضب می کند. به هر چه محبوبش امر و نهی کند او نیز امر و نهی می نماید. با محبوبش در این امور موافق است. اینان همان کسانی هستند که خداوند به خاطر رضایشان، راضی می شود و به خاطر غضبشان، غضبناک می گردد؛ چرا که آنان فقط به خاطر رضای خدا راضی می شوند و به خاطر غضبش غضب می کنند.

بنابر آنچه گذشت، همین مقامی را که پیامبر صلی الله علیه وآله برای حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها بیان نمودند، ابن تیمیه یعنی پدر معنوی وهابیان، برای مؤمنان و مشایخ ثابت نموده است؛ اما نصب و عداوت وهابیان با اهل بیت علیهم السلام مانع پذیرش فضایل اهل بیت علیهم السلام است.

## نتیجه

چنانچه گذشت «عدنان عرعور» وهابی با توسل به مغالطه ای سخیف در پی انکار فضیلت معتبر حضرت صدیقه اطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها برآمد که بر اساس دانش رجال و گفتار علمای اهل سنت، صحت این روایت به اثبات رسید؛ علاوه بر اینکه



بر اساس احادیث دیگر اهل سنت همانند برخی از روایات بخاری، همین مضمون درباره آن حضرت قابل اثبات است. نکته حائز اهمیت دیگر نیز پیروی خدا از برخی بندگان بود که به عنوان پاسخ نقضی در این نوشتار بیان شد.

**موفق باشید**

**گروه پاسخ به شبهات**

**مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)**